

دوکتور بهشته آریان

نگذاریم به دختران ما زهر بنوشانند

دختران و زنان افغانستان بدلائل باور های سنتی و تعبیر های کلاسیک از ماهیت انسانی زن، مورد خشونت قرار دارند و از حقوق اساسی خود محروم اند. در این اواخر در کنار زهر نگاه ها، اعلامیه ها، قوانین و اندیشه های سیاسی مذهبی زن ستیزانه دست به نوشتن زهر و یا هم مسموم کردن دختران دانش آموز ما زده اند. در جریان ماه های گذشته ما شاهد مسموم شدن دختران مکاتب در استان های مختلف افغانستان بوده ایم. نیاز است تا عوامل، اهداف، پیامد ها و مسؤلیت های پیرامون این جنایت را به بحث بگیریم.

باور های سنتی و تعبیر های افراطی مذهبی در قبال زنان افغانستان زمینه ساز اصلی حمله به دختران مکاتب بوده میتواند. از انجائیکه زن ستیزی بخش از فرهنگ قبول شده برای تربیه شده های مدارس دینی و پرورشگاه های آی اس آی پاکستان است، پس خشونت های سیاسی علیه زن بدون شک برای این گروه بخش از اندیشه های آنها است. دختران دانش آموز و دانشجو در افغانستان با دشواری های بیشماری خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی در راه گزاف علم و دانش مواجه اند که عمدتاً ناشی از نگاه تحقیر آمیز و غیر انسانی نسبت به زن میباشد. دختران افغانستانی باید مبارزه کنند تا اجازه رفتن به مکتب را بیابند، دختران افغانستانی باید مبارزه کنند تا از تهدید های روزمره رفتن به مکتب و دانشگاه که از سوی جامعه به آنها تحمیل میشود موفق بدر آیند و بلاخره این دختران باید به عنوان بخش از مبارزه علیه افراط گرایی و تروریسم بین المللی قربانی بدهند. عشق و علاقه دختران و زنان افغانستان به آموزش و پرورش سبب شده تا با وجود این همه مشکلات ما شاهد حضور دانش آموزان اناث در مکاتب و دانشگاه های کشور باشیم. این دانش آموزان بجرم زن بودن، مجبور هستند تا توهین نگاه های زهر آلود که رفتن به مکتب و دانشگاه را جرم میدانند تحمل کنند و در بسا موارد آموزش و پرورش سبب به خطر افتادن جان و آبروی دانش آموز دختر یا هم خانواده او میشود.

سیاست مخالفت با آموزش و پرورش زنان و دختران در جامعه ما پدیده نوپیدا نیست، خصوصاً از زمانی که پاکستان به عنوان بستر مناسب تربیه و تجهیز افراط‌گرایی توانست نفوذ قابل ملاحظه بالای نیروهای سیاسی مذهبی داشته باشد و خشونت علیه زن را به عنوان یک وسیله عمده و اساسی به نفع گروه‌های وابسته به خود استفاده نماید. امروز بار دیگر دختران افغانستان قربانی سیاست و اندیشه گروه‌های مزدور به افکار مدارس دینی پاکستان میشوند تا پیام خاموشی و محکومیت را به یک ملت ابلاغ داشته باشند. افراط‌گرایی منطوقی که به باور آگاهان ریشه در خواست‌ها و برنامه‌های حکومت و سازمان استخباراتی نظامی پاکستان دارد، از جنگ‌های ۳۰ ساله افغانستان آموخته‌اند که با محکومیت هر چی بیشتر زنان بدلیل سنتی و مذهبی بودن جامعه میتوانند منافع سیاسی خود را تامین کنند و حمایت جامعه مردسالار و مذهبی را با خود همراه سازند. ایجاد مشکلات برای حضور دختران و زنان سبب میشود تا ارزش‌های نا پخته دموکراسی نوپای افغانستان و دست‌آورد‌های شکنند اخیر شدیداً تحت سوال برده شده و از این طریق نمایش حضور و قدرت بدهند. سیاست خشونت، ترس و وحشت که ویژگی مدیریت سیاسی گروه‌های افراطی و عقب‌گرا است بالای جامعه ما تحمیل میشود. به نظر من باز هم دختران افغانستان قربانیان خط مقدم مبارزه برای عدالت و آزادی قرار گرفته‌اند.

با تاسف هنوز فرهنگ مردسالاری متأثر از باورهای سنتی جامعه، مانع بزرگ آموزش و پرورش دختران افغانستانی است و از این راه میتوانند روند رشد را به خطر جدی مواجه ساخته و تسلسل معیوب دختر بیسواد و ناتوان امروز، مادر معیوب و ناتوان فردا و بدون شک فرزندان معیوب و ناتوان پس فردا و بلاخره یک جامعه معیوب را ببار آورند.

در طول بیشتر از ده سال حمایت جامعه بین‌المللی برای افغانستان، با تاسف رهبریت این کشور که خود متأثر از فرهنگ سیاسی مذهبی پاکستان است، بدلیل چون گذشته‌های اندیشوی زن‌ستیزانه، فساد اداری، عدم باورمندی به حقوق انسانی زن و ضعف حکومت‌داری نتوانسته امنیت حضور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، صحتی و وظیفوی زنان افغانستان را تامین نماید. دست‌آورد‌های کم و شکنند این سالها بیشتراً مدیون جامعه بین‌المللی بوده تا مدیریت ده ساله گروه‌های با اصول و اندیشه مشترک طالبانی که خود موانع عمده در راه تامین حقوق زنان بوده‌اند. پس از چنین یک حکومت نمیتوان بیشتر از این انتظار داشت. نقض گسترده حقوق زنان و دختران و مسمومیت پیهم دانش‌آموزان بی تفاوتی و جنایت‌پذیری نهاد‌های مسئول حکومتی را بیان میدارد. من به این باور هستم که جامعه مدنی افغانستان، رسانه‌های همگانی و نهاد‌های

مدافع حقوق بشر و حقوق زن باید این مشکل را بگونه جدی آن پیگیری نموده و حکومت و نهاد های بین المللی مسؤؤل در قبال این مشکل متوجه حمایت از دختران و زنان افغانستان نمایند.

بیشتر از هر زمان دیگر ما امروز نیازمند دفاع از حقوق انسانی زنان افغانستان هستیم، خصوصاً که در معاملات بنام صلح با گروه های دهشت افکن و تروریست دیگر جایی شکی در قربانی شدن حقوق زنان افغانستان باقی نگذاشته اند و شعاردموکراسی برای افغانستان جایی خود را به ثبات برای افغانستان داده است که در تعریف های این ثبات و امنیت، رنگ و بوی حضور گروه های افراطی رنگینتر است. در اخیر من از همه فرهنگیان، روشنفکران، فعالان حقوق بشر و حقوق زن میخواهم تا نگذارند دستان و اندیشه های ناپاک دشمنان انسانیت و دانش به دختران معصوم کشورم زهر بنوشانند.

دوکتور بهشته آریان